

معرفی کتاب «آن سوی مرزها؛ آوای در حاشیه ماندگان» (آزارهای عاطفی و جنسی زنان در سرزمینی جدید) به قلم «شهناز شیردلیمان»

بهرام رحمانی
bahram.rehmani@gmail.com

کتاب «آن سوی مرزها؛ آوای در حاشیه ماندگان» (آزارهای عاطفی و جنسی زنان در سرزمینی جدید)، اخیراً در ۲۰۶ صفحه توسط چاپ و نشر ارزان در استکهلم منتشر شده است.

در این کتاب، علاوه بر پیشگفتار و مقدمه و پرداختن به تئوری‌ها و پژوهش‌های برخی از محققان، از صفحه ۵۵ تا ۱۲۸، گفت‌وگو با ۴ زن پناهنده ایرانی به نام‌های «سیمین»، «شبلم»، «نگین» و «مریم» در سوئد است که به دلیل رد درخواست پناهندگی‌شان از سوی اداره مهاجرت سوئد، با مردانی آشنا می‌شوند که این آشنایی برای هر چهار نفر این زنان، عاقبت خوبی در بر نداشته است. در پایان بحث و نتیجه‌گیری از وضعیت این زنان با اتکا به تئوری‌ها و پژوهش‌های نظری برخی محققان و منابع است.

این کتاب روز یکشنبه ۱۵ ژوئن در محل کتابفروشی و انتشارات ارزان رونمایی خواهد شد. ورود همگان به این جلسه آزاد است.



«کتاب حاضر در پی آن است که به مسائل و مشکلات زنانی بپردازد که در فرایند گرفتن پناهندگی هستند و به ویژه آنهایی که بعد از گرفتن جواب منفی و رد درخواست پناهندگی، از سوی اداره مهاجرت، به صورت غیرقانونی و بدون اجازه اقامت در جامعه زندگی می‌کنند. در این کتاب به طور خاص بر مسئله آسیب‌پذیری و خشونت‌های «عاطفی و جنسی» از این زنان، متمرکز شده است که عمدتاً توسط مردانی انجام شده است که خود زمانی به عنوان پناهنده و مهاجر از همان کشوری آمده‌اند که این زنان می‌آیند. این کتاب

به مسائل زنان مهاجر ایرانی در این زمینه می‌پردازد.

نقد فرهنگ تبعیض آمیز مردسالاری ابداء به معنای مردستیزی و نفرت از مردان نیست، چرا که مردسالاری علاوه بر تضعیف زنان و تضييع حقوق آنها و شقه‌کردن پیکره جامعه‌ای که نیمی از آن زن و نیمی دیگر مرد است، به گونه‌ای که برای زنان و مردان، بویژه در روابط بین فردی، رشد و آرامشی به ارمغان نیاورده، بار مضاعفی نیز بر روان و بر دوش مردان گذاشته است؛ فرهنگی که مانع احترام متقابل میان زنان و مردان شده است.» (از پیشگفتار کتاب)

«امروزه مهاجرت یکی از مهمترین مسائل اجتماعی است که اثرات و پیامدهای اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای بر کشورها دارد. این موضوع، از این جهت دارای اهمیت است که مهاجران با جابجایی مکانی، هم بر خودشان، هم بر مکانی که از آن مهاجرت کرده‌اند و نیز بر جامعه میزبان، تأثیر بسیاری می‌گذارند. علاوه بر شرایطی که پدیده مهاجرت در گذشته داشته است، در سال‌های اخیر ویژگی جدیدی به خود گرفته است و همان‌طور که ساسکیا ساسن^۱ می‌گوید: «زنانه شدن پدیده مهاجرت که راهی برای نجات و بقا است». میزان مهاجرت زنان در جهان به علل و انگیزه‌های مختلفی، بیش از پیش، افزایش یافته است که مسیر و مقصد آنها، عمدتاً کشورهای توسعه‌یافته و از مهمترین دلایل آنها، جستجوی امنیت و یا زندگی بهتر است. یکی از اشکال مهاجرت، پناهندگی است که دلایل مختلفی دارد و از فردی به فردی دیگر، متفاوت است، اما دلیل عمده آن را می‌توان جستجوی امنیت ذکر کرد.» (صص ۱۳ و ۱۴)

«یکی از کشورهایی که زنان پناهجوی ایرانی به امید دستیابی به امنیت و کرامت، آن را به عنوان مقصد خود انتخاب می‌کنند، سوئد است. طبق آمار اداره مهاجرت، از آغاز سال ۲۰۲۳ تا پایان آن، از ۲۴۰ زن پناهنده ایرانی، به ۴۸ نفر، اقامت موقت داده شده و پرونده ۲۵ نفر از آنها، بنا بر توضیحات اداره مهاجرت، مورد بررسی قرار نگرفته است، به دلایل متعددی از قبیل، نمی‌دانیم این افراد کجا هستند، هنوز در سوئد هستند یا خیر و یا از درخواست پناهندگی منصرف شده‌اند و دلایلی از این دست.^۲ از تعداد کل زنانی که درخواست پناهندگی داده‌اند، ۱۴۷ نفر از آنان، جواب رد گرفته‌اند.^۳ زنانی که فاقد هرگونه حمایتی در سوئد هستند و به صورت غیر قانونی زندگی می‌کنند، به نظر می‌رسد می‌تواند در هر دو مقوله اخیر،^۴ قرار بگیرند. زنانی که بعد از رد درخواست پناهندگی آنها از سوی اداره مهاجرت، از هرگونه حمایت مالی و دریافت کمک هزینه‌های خوراک و پوشاک، مسکن و اجازه کار، محروم می‌شوند، با چالش‌ها و بحران‌های جدی در جامعه مواجه می‌شوند، مانند تحقیر، توهین، تهدید، نادیده گرفته شدن، انگ و تهمت، تبعیض شدید در دستمزد دریافتی به خاطر کار بدون مجوز، درخواست خدمات جنسی درکنار کارهای خانگی، ترس و هراس در محیط کار و بخصوص سوء استفاده‌های عاطفی و جنسی. هر چند مسائل پیش روی این زنان متعدد است، ولی به واسطه جنسیت و زن بودن، مشکلی که میان بسیاری از آنها

مشترک است، خشونت‌های خانگی^۵ از نوع خشونت‌های عاطفی و جنسی^۶ است.» (ص ۱۵)

«با وجودی که زنانی که در سوئد به صورت غیرمجاز از نظر قانونی، زندگی می‌کنند با مسائل و خشونت‌های^۷ عدیده‌ای روبرو می‌شوند، ولی در این کتاب، بطور مشخص به مسائل آنها در زمینه خشونت‌های خانگی و خشونت‌های «عاطفی و جنسی» پرداخته شده است. زیرا آثار و تبعات این نوع خشونت بر روح و روان زنان، چنان عمیق است که با وجود گذشت سال‌ها از آن و یادآوری رنج‌های حاصل از ظلمی که بر آنها رفته است و تحقیرهایی که دیده اند، هنوز می‌گیرند. زخم‌های آنها همچون دمل چرکینی، زیر پوست مانده است که با کمترین لمسی، سر باز می‌کند. از طرفی مورد توجه قرار دادن این خشونت‌ها و سوءاستفاده‌هایی که گفتن از آنها، هنوز تابو است، این امکان را فراهم می‌کند تا زنانی که آزار دیده‌اند، به سخن بیایند و از رنج‌های خود بگویند. شنیدن صدای همه افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، از اصول یک جامعه دموکراتیک است.» (ص ۱۹)

«نویسنده این سطور، به عنوان دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی در سوئد که حوزه پژوهش او در حیطه مسائل زنان است، این مسئله نظرش را جلب کرد که در جامعه‌ای مانند سوئد نیز، زنان در معرض خشونت‌ها و سوءاستفاده‌های عاطفی و جنسی قرار گرفته و قرار می‌گیرند که این در آغاز، برای نویسنده دور از ذهن بود. این موضوع، حس مسئولیت او را برانگیخت تا به عنوان یک زن محقق مهاجرکه با بخشی از مشکلات مهاجرت و رنج‌های آن، آشنا و درگیر است، با دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی^۸ به این مسئله بپردازد. به این منظور، با هجده نفر از زنانی که بدون اجازه اقامت زندگی کردند، تماس گرفته و خواهان شنیدن مشکلاتشان گردید. بازگو کردن مسائل برای دوازده نفر از آنان که این مسائل و تله‌ها را از نزدیک دیده و سوءاستفاده‌های عاطفی و جنسی را به شیوه‌های مختلف، تجربه کرده بودند، رنج‌آور بود و از آن سر باز زدند و تنها چهار نفر حاضر به مصاحبه شدند، با این شرط که نام و مشخصات آنها محرمانه بماند. جمعیتی که معمولاً دسترسی به آن دشوار است و این باعث انجام پژوهش با نمونه کوچکی از زنانی که در این وضعیت قرار دارند، می‌شود و محدودیت‌های مربوط به نمونه و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها را ایجاد می‌کند. در این مطالعه موردی،^۹ روش نمونه‌گیری مورد استفاده، گلوله برفی^{۱۰} است. بدین معنی که فردی که با آنها مصاحبه می‌شد، نفر بعدی را که می‌شناسد، معرفی می‌کند و بدین صورت، دسترسی به آنها و

خشونت خانگی شامل ابعاد مختلفی است که به منظور کسب یا حفظ قدرت و کنترل مخاطب است: ۱. خشونت جسمی یا فیزیکی: تنبیه بدنی، قطع عضو، قتل؛ ۲. خشونت جنسی: تجاوز جنسی، سوءاستفاده جنسی (همخواهگی اجباری و وادار ساختن یک شخص به انجام دادن اعمال جنسی بر خلاف میل آنها)، قوادی؛ ۳. خشونت روانی- عاطفی: باج خواهی، توهین، تحقیر، تهدید، حسادت، شک و بدبینی، فریب، انتقاد مداوم، سرزنش، تضعیف احساس ارزشمندی و یا عزت نفس فرد، منزوی کردن فرد از دوستان، خانواده و جامعه ۴. خشونت اقتصادی: محرومیت و محدودیت، از بین بردن استقلال مالی، مصادره اموال.

جلب اعتماد آنها، آسان تر می‌شود. زیرا افرادی که نویسنده را به آنها مرتبط می‌کرد، مورد اعتماد آن زنان بودند، با این وجود، تعداد کمی حاضر به مصاحبه و گفتن از جزئیات مسائل خود شدند که در مدت زمانی که بدون اجازه اقامت زندگی کردند، با آن روبرو شده بودند.» (صص ۲۰ و ۲۱)

«امروزه بیش از نیمی از کل مهاجران را، زنان تشکیل می‌دهند. تعداد بسیار زیاد زنانی که مهاجرت می‌کنند، به یک پدیده جدید جهانی تبدیل شده است. طی بیست سال گذشته، این امر به قدری تغییر کرده است که ساسکیا ساسن آن را پدیده زنانه شدن مهاجرت یا «زنانه‌سازی بقا»^{۱۱} می‌نامد (ساسن، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳؛ دوناتو و گاباچی؛ ۲۰۱۶؛ یسلی یورت گوندوز، ۲۰۲۳)^{۱۲}. مهاجرت زنان به اشکال گوناگون و با دلایل مختلفی صورت می‌گیرد، از جمله به شکل پناهندگی که عمدتاً به دلایل فشارهای سیاسی، عقیدتی، مذهبی، قومی، جنسی و جنسیتی است و وجود خطراتی در کشور خود که این مهاجران را وادار به ترک وطن شان می‌کند؛ خطرات جدی نقض حقوق انسانی آنها، آزار و اذیت و خطرات جانی جدی وجود دارد که آنها را وادار به جستجوی امنیت در خارج از کشورشان می‌کند. طبق پژوهش تسگی (۲۰۲۳)^{۱۳}، عمدتاً این مهاجرت‌ها، تحت تأثیر عوامل شخصی، اجتماعی-اقتصادی و سیاسی است. پناهندگان هیچ گزینه‌ای جز فرار از مکان اصلی خود برای حفظ امنیتشان ندارند. به همین دلیل، آنها برای رسیدن به کشورهای امن، سفر طولانی، پرخطر و پرهزینه‌ای را متحمل می‌شوند.» (باومن، ۱۹۹۶).

«مهاجرت، اثرات اجتماعی-اقتصادی و روانی زیادی بر مهاجران دارد (تسگی، ۲۰۲۳). این سفر پرخطر، تأثیر منفی بر سلامت روانی و عاطفی آنها می‌گذارد (بالداسار و بوکاگنی، ۲۰۱۵). حتی کسانی که این خطرات و رنج‌های مهاجرت را پشت سر می‌گذارند و به‌طور ایمن به مقصد می‌رسند، اغلب از تجربیات سختی که در طول مسیر با آن مواجه شده‌اند و از مسائل روحی و روانی رایج مانند اختلال استرس پس از سانحه^{۱۴}، افسردگی و اضطراب رنج می‌برند. تحقیقات نشان می‌دهد دامنه وسیعی از رویدادهای استرس‌زا در طول زندگی مهاجران (پناهندگان) وجود دارد که بر سلامت روان آنها تأثیر منفی می‌گذارد (هولفیلد و همکاران، ۲۰۱۸). مهاجرت به‌طور اجتناب‌ناپذیری وضعیت عاطفی مهاجران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و روابط عاطفی آنها را با مردم و رویدادها تغییر می‌دهد (زمبیلان، ۲۰۱۲). بسیاری از مهاجران با احساسات منفی مرتبط با از دست دادن، رنج، سختی حتی سوءاستفاده و نیز با دشواری‌های اجتماعی-عاطفی عظیم مرتبط با مهاجرت روبه‌رو هستند، زیرا آنها زادگاه و محیط آشنای خود را ترک کرده اند (کروکر، ۲۰۱۵).» (صص ۲۳ و ۲۴)

«بر اساس تحقیقات و تئوری‌های بررسی شده، مهاجران فاقد اقامت، به منظور اسکان در یک کشور جدید با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و روانی مواجه هستند که می‌تواند به شکل عمیقی بر ابعاد مختلف زندگی آنان تأثیر بگذارد. این چالش‌ها شامل احساس گمگشتگی عاطفی و بیگانه شدن احساس با جسم و مکان، نداشتن احساس «در خانه بودن»، نداشتن احساس تعلق به مکان جدید و موانع زبانی و فرهنگی و عدم دسترسی به شبکه روابط اجتماعی و حمایت‌های موجود

در آن است، که تلاطم‌های عاطفی و بحران هویت را در مهاجر باعث می‌شوند. علاوه بر این، تأخیر در روند درخواست پناهندگی، درگیری با مقامات مهاجرت، رد درخواست مجوز کار، بیکاری و جدایی از خانواده، استرس و افسردگی، مسائلی هستند که عمدتاً یک مهاجر با آن مواجه است. در این میان زنان مهاجر فاقد اقامت قانونی، علاوه بر مشکلات عمومی که مهاجران با آن روبه‌رو هستند، با چالش‌های خاصی مواجهند که آن‌ها را در موقعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌دهد» (صص ۵۱ و ۵۲)

«زنان مورد مطالعه در زمان اعتراض به سوءاستفاده‌ها و پیروی نکردن از خواسته‌های این مردان، با شیوه‌های مختلف تلافی‌جویانه، مواجه شده‌اند. زیرا چنین مردانی از ابتدا، از طریق کمک کردن، اهداف و انگیزه‌های پنهانی دارند، تا این زنان را جذب کرده و به سمت خواسته‌های خود سوق دهند و این حمایت‌ها، به‌طور غیرمستقیم، به قصد کنترل، صورت می‌گیرد. حمایت‌هایی که در اصل، یک معامله‌ی پنهانی است؛ زمانی که انتظارات آنها، در آن برآورده نمی‌شود و آن‌طور که در ذهن خود برنامه ریزی کرده‌اند، کارها پیش نمی‌رود، دچار خشم نهفته و منفعلانه می‌شوند که به شکل‌های مختلفی بروز داده می‌شود، و طیف وسیعی از خشونت‌ها، از قبیل گیر دادن، ایراد گرفتن، طفره رفتن و بهانه آوردن، انکار و حاشا کردن تا تهدید و تهمت و بی‌اعتبار کردن و حتی شکایت به پلیس را در مورد این زنان بکار می‌برند.» (ص ۱۴۶)

«ارزیابی آژانس پناهندگان سازمان ملل، صندوق جمعیت سازمان ملل و کمیسیون پناهندگان زنان تحت عنوان «خطرات حمایت از زنان و دختران در بحران پناهندگان و مهاجران اروپا»، به این نتیجه رسیده است که زنان و دختران مهاجر با خطرات جدی مواجه هستند و برنامه‌های فعلی از سوی دولت‌ها، فعالان حقوق بشر، نهادهای اتحادیه اروپا و آژانس‌ها، ناکافی است. مهاجران و پناهندگان تنها در طول مسیر سفر آسیب‌پذیر نیستند، بلکه پس از رسیدن به مقصد نیز، حتی در کشورهایی که به دستاوردهای خود در زمینه پوشش بهداشتی جهانی و حقوق بشر افتخار می‌کنند، همچنان در معرض آسیب قرار دارند (پانتیر و همکاران، ۲۰۱۸).» (ص ۱۶۳)

آدرس و تلفن تماس با چاپ و نشر «کتاب ارزان» در استکهلم:

Kitab-I Arzan
Helsingborgsgatan 15
164 78 Kista-Sweden
+46 70 492 69 24